

مجلس هشتم

نه تنها یک فراکسیون، بلکه یک "بانگ مخالف" غنیمت است

انتخابات هشتمین دوره مجلس؛ جمعه آینده برگزار می شود. آنچه تاکنون و در مقدمه این انتخابات، تا مرحله تدارک رفتن به پای صندوق های رای پشت سر گذاشته شده، شاید حیرت آورترین و بغرنج ترین حوادث و پدیده ها را، در طول سه دهه انتخابات در جمهوری اسلامی همراه داشته است. آنچه در چند روز آینده و تا رفتن مردم به پای صندوق های رای و سپس قرائت آراء پشت سر خواهد ماند نیز، در بغرنجی و پیچیدگی اگر بیشتر باعث حیرت نشود، کمتر نخواهد شد. حوادث بزرگی در کشور ما، در حال روی دادن است و به همین دلیل انتخابات مجلس هشتم چنین حساس و بغرنج پیش رفته است.

درک و اطلاعات ما از شرایط کشور و جامعه از خستگی سیاسی مردم، له شدن آنها در زیر فشارهای سنگین زندگی، سقوط باز هم بیشتر اعتماد عمومی به حاکمیت حکایت دارد. بیگانگی با بازی های نهفته حکومتی در پشت عزم تشکیل مجلسی فرمایشی و سپردن خویش بدست سرنوشت نیز همین را نشان می دهد. بیان این واقعیات، تلخ و گزنده است، اما نادیده انگاشتن آنها تلخ تر و گزنده تر!

بدون هیچ تردیدی، حاکمیت کنونی برای ادامه سیاست های نظامی- اتمی ماجراجویانه خود به مجلسی دست نشانده نیازمند است و همه حوادث و بغرنجی های که به آن اشاره کردیم ناشی از همین مسئله است. اهمیت انتخابات مجلس هشتم و ضرورت برهم زدن این توطئه- که محمد خاتمی از آن بعنوان ضرورت **برهم زدن بازی** یاد کرده است- نیز در همین امر نهفته است. هیچ ایرانی میهن دوستی مخالف استقلال کشور، جلوگیری از حمله نظامی به ایران، پرهیز از جنگ قومی و مذهبی، رسیدن به دستاوردهای اتمی و استقلال نظامی کشور برای دفاع از تمامیت ارضی کشور نیست. حتی پا را می توان فراتر از آن نیز گذاشت و گفت که "تولید سلاح اتمی" نیز به خودی خود موجودیت ایران را به خطر نمی اندازد. آنچه ما با آن مخالفیم، از آن بیم داریم و آن را بر باد دهنده همه آنچه در بالا اشاره کردیم می دانیم، سیاستی است که حاکمیت آن را تبدیل به توپخانه های کرده که همه اشارات بالا تبدیل به چاشنی انفجاری آن شده است. نه تنها در سیاست های جهانی و منطقه ای، بلکه در سیاست های داخلی نیز طی سه سال گذشته همه امور تابع این سیاست شده است. سیاستی ماجراجویانه که فرماندهان سپاه آن را "رهبری جهان سوم" فرض کرده اند و سهم جهانی خود را برای تقسیم دوباره حوزه نفوذ منطقه ای می خواهند. از عراق تا فلسطین و لبنان و از خلیج فارس تا آنسوی افغانستان. این که چنین سیاستی چگونه به اژدهائی تبدیل شده که پول ناشی از فروش نفت بشکله ای ۱۰۰ دلار را می بلعد و در نهایت خود به سود شرکت های بزرگ نفتی جهان است و یا این که ۱۵۰ میلیارد دلار فروش نفت طی دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد چگونه به این سیاست تزریق شده و در خدمت تشدید فقر و بیکاری، سرکوب و اختناق قرار گرفته؛ خود فصل مستقلی است که به کارنامه اقتصادی- اجتماعی این سیاست باز می گردد و از ضرورت تمرکز روی انتخابات مجلس هشتم می کاهد. این اشاره تنها به آن خاطر بود که در ادامه ۵ سرمقاله ای که در ارتباط با انتخابات مجلس هشتم تاکنون منتشر کرده ایم، بنویسم و تاکید کنیم که اهمیت این انتخابات و این مجلس در آنست که می خواهند ریسمان به گردن مجلس افکنند و بدنبال سیاست نظامی- اتمی خود بکشند. اگر این سیاست را، به ضرر موجودیت ایران و علیه مردم ایران بدانیم - که ما میدانیم-، آنوقت اهمیت انتخابات مجلس هشتم نمایان می شود. آنها که یکسال و نیم پس از رئیس جمهور شدن احمدی نژاد تازه به یاد انفعال خود در مرحله

دوم آن انتخابات افتاده و نوشتند "باید به هر شکل از روی کار آمدن احمدی نژاد جلوگیری می‌شد" برای آن که بار دیگر ناچار به تکرار این جمله، اما این بار در ارتباط با مجلس هشتم نشوند، باید سخن صریح و راه حل درست را امروز بگویند و ارائه بدهند.

این که روی موج انفعال و دلزدگی سیاسی مردم سوار شده و خانه نشینی را نه تنها تأیید بلکه تشویق نیز بکنیم، نامش هرچه باشد سیاست فعال نیست و در ارتباط با توده ای‌ها نیز رابطه‌ای با "مشی توده ای" ندارد!

ما نه تنها هدایت کنندگان سیاست نظامی- اتمی حاکم در جمهوری اسلامی را سیاستی ملی نمی‌دانیم، بلکه معتقدیم دست‌های پنهان در قلب ستاد این سیاست، در خدمت امریکا و دیگر قدرت‌های امپریالیستی جهان مشوق و هدایت کننده اصلی آن هستند. از این زاویه نیز اگر به رویدادهای جاری در ایران نگاه شود، چهره ضد امپریالیستی مشی توده‌ای در مخالفت با سیاست نظامی- اتمی حاکم و ضرورت "برهم زدن بازی" نمایان می‌شود.

نخستین واکنش دبیراول حزب کمونیست فدراتیو روسیه در ارتباط با انتخابات پرتقلب اخیر ریاست جمهوری در روسیه - که آن را در همین شماره راه توده می‌خوانید- یعنی یاد آوری دوباره همه آنچه که بعنوان تئوری مارکسیستی خوانده ایم "در عمل"!

او می‌گوید: ما یقین داشتیم که بزرگترین تقلب‌ها در این انتخابات خواهد شد، ما می‌دانستیم که پوتین کاخ ریاست جمهوری را تحویل معاون خود خواهد داد، اما وظیفه داشتیم از فرصت انتخاباتی استفاده کنیم تا به مردم بگوئیم روسیه را به سمت کدام فاجعه می‌برند، ضمن اینکه علیرغم همه محدودیت‌ها و تقلب‌ها توانستیم ۵ میلیون رای نیز به آراء خود افزوده و آن را در صندوق‌ها نشان بدهیم".

آنچه زیگنایف می‌گوید، سخن او نیست، بلکه پس دادن درس‌ها و محفوظات تئوریک در عرصه عمل است. این همان درسی است که در انقلاب ۱۹۰۵ بلشویک‌ها در عین همراهی با مردم تا مقابل کاخ تزار برای فریاد "نان، نان" و رفتن به زیر رگبار گلوله هائی که پاسخ تزار به مردم بود، به انقلابی روس دادند.

نام موج سواری، هنر سیاسی و حتی انقلابی نیست. امروز و در شرایطی که در بالا به آن اشاره کردیم بیرون کشیدن مردم از خانه‌ها و به پای صندوق‌ها بردن آنها و استفاده از همان فرصت اندک موجود برای تفهیم تفاوت لیست‌ها و کاندیداها با یکدیگر و تشویق مردم به پرهیز از دادن رای به کسانی است که بعنوان طرفداران سیاست حاکم می‌خواهند به مجلس ببرند. حتی اگر ۱۰ عدد مو از این تن کنده شود، غنیمت است، چرا که ما آینده‌ای پرحادثه را در پیش داریم و هر بانگ مخالف سیاست‌های حاکم در مجلس، خاری است در چشم آنها که یک چشم را بسته و با چشم دیگر دل به شلیک موشک خوش کرده اند!

آنها که هنوز بی تفاوت‌اند و با انتخابات قهر، اگر به میدان بیایند، رای آنها به سود لیست‌های حکومتی - طیف جمع شده زیر عنوان گمراه کننده اصولگرا- نیست. یا حداقل در میان این لیست‌ها، بر حسب تفاوت دیدگاه‌های شماری از آنها با دیدگاه‌های متحجز و یا نظامی و امنیتی نیز می‌توانند دست به انتخاب بزنند.

پشت عزم حیرت آور تشکیل مجلس فرمایشی، عزم مخوف تری خفته است. این را با چه منطق و استدلال دیگری می‌توان گفت و نسبت به آن هشدار داد؟ ایران نباید قربانی یک جنگ حکومت خواسته شود. حتی می‌توان بدون قربانی شدن در یک فاجعه جنگی، به سلاح اتمی هم دست یافت، اما نه با سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای که حاکمیت با هدف جهانگشائی اسلامی و رهبری جهان سوم دنبال می‌کند. از این صریح تر چه می‌توان گفت؟

صدا در صدا و نفس در نفس تحریم و خانه نشینی انداختن، یعنی هیزم نهادن زیر تنور توطئه تشکیل مجلس فرمایشی، اگر چه برخی چهره‌های ملی و مورد تأیید و تشکرهای آنها در نهایت حسن نیت به چنین درکی از شرایط کنونی رسیده باشند. به همین دلیل وقتی امثال آقایان مهندس سبحانی و دکتر پیمان بعنوان دو چهره ملی و مورد تأیید کنفرانس خبری

"تحریم" در تهران می‌گذارند و می‌گویند که اگر یک مصدق یا مدرس در لیست اصلاح طلب‌ها بود در انتخابات شرکت می‌کردند، باید به آنها یاد آور شد که اتفاقاً به همین دلیل حاکمیت با حضور افراد و نام‌های شناخته شده در لیست اصلاح طلبان مخالفت کرد و آنها را رد صلاحیت کرد. آن استدلال، این توطئه را تأیید نمی‌کند؟ و تازه، مگر مصدق و مدرس هم از ابتدا مدرس و مصدق بودند؟ نقش آنها در ابتدای سقوط سلطنت قاجاریه و در بحث جمهوری و پادشاهی و به قدرت رسیدن رضاخان، همان نقشی بود که آنها بعدها هر دو قربانی آن شدند؟ این حوادث و رویدادهای بیرون از مجلس و در دل جنبش به خیابان آمده و نه در خانه نشسته است که مصدق یا مدرس می‌سازد، نه مدرس و مصدق جنبش را!! همین اشتباه را بسیاری در طول ریاست جمهوری محمد خاتمی کردند و بر این تصور بودند که او باید مردم را به جنبش در آورد و نه جنبش او را توانمند برای جلو رفتن کند. مرور این گذشته‌ها و به یاد آوردن این نکات دشوار نیست!

به همین دلیل است که ما در سرمقاله ۲۲ بهمن راه توده با صراحت و عنوان درشت نوشتیم که حتی اگر بتوانیم یک "بانگ" مخالف سیاست نظامی- اتمی را بتوانیم به مجلس بفرستیم، نباید از این فرصت غفلت کنیم. ضعف و توان این "بانگ" بیش از آن که به نام و شهرت آنها بستگی داشته باشد، به ضعف و توان جنبش مخالف با سیاست حاکم بستگی دارد. بنابراین باید کوشید آن جنبش بیرون از مجلس را آگاه و توانمند کرده و به صحنه آورد، تا آن تک "بانگ" و درون مجلس بتواند و حتی ناگزیر باشد که به "بانگ" ملت تبدیل شود. مجلس یکشنبه می‌تواند منحل شود و انتخابات جدید در دستور قرار گیرد. اما پیش شرط آن در درجه اول آگاهی مردم از انگیزه‌ها و توطئه‌های پنهان از مردم است. اگر یک بانگ در مجلس و با استفاده از تریبون آن بتواند در خدمت این آگاهی قرار گیرد، کدام منطق ملی و توده‌ای می‌گوید که می‌توان از آن چشم پوشید؟

توصیه می‌کنیم: برای دنبال کردن سلسله استدلال‌های ما درباره اهمیت انتخابات مجلس هشتم و ضرورت شرکت در آن، سرمقاله‌های شماره‌های گذشته راه توده در این ارتباط را که به ترتیب تاریخ انتشار در زیر می‌آوریم مطالعه کنید:

۶۹- <http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-vasat/HTML/2008/mars/sarmaghaleh-03-03.html>

۶۸- <http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-vasat/HTML/2008/feb/sarmaghaleh-25-02.html>

۶۷- <http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-vasat/HTML/2008/feb/sarmaghaleh-18-02.html>

۶۶- <http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-vasat/HTML/2008/feb/sarmaghaleh-11-02.html>

۶۵- <http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-vasat/HTML/2008/feb/sarmaghaleh-04-02.html>

۶۴- <http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-vasat/HTML/2008/jan/sarmaghaleh-28-01.html>

<http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-۶۳-vasat/HTML/2008/jan/sarmaghaleh-21-01.html>

راه توده ۱۷۰ ۱۰,۰۳,۲۰۰۸